

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقري
فرستنده : محمود شاداب
۱۳ می ۲۰۱۹

[سیر نوروز]

عاشق دربارِ شاهم من زکابل می روم
چون رسد آن روزِ بیست و بیست و یک ماه حوت
چند روزی همچو مهمان می روم در شهر آن
در سرپل کار و بارِ دیگری نبود مرا
باز می گردم به سوی شهر اندخوی، ای عزیز
چند روزی دولت آباد هم تماشا می کنم
کوهسار میمنه ماهِ حمل جوش گل است
آرزو دارم که ببینم آبشار بلچراغ
باز می گردم به شادی جانبِ شهرِ مزار

در گلِ سرخ سخی جان با توکل می روم
بر سرِ موتر نشسته بی تأمل می روم
آقچه را دیده شیرغان تا سرپل می روم
از ره هم مسلکی دیدارِ بابل می روم
اشتهای قابلی کرده ، برای تناول می روم
جانبِ شهرِ تگابش چیدن گل می روم
از برای چیدن ریحان و سنبل می روم
ساغر و مینا به کف باساز قلقل می روم
دور روضه عشقري گردیده ، کابل می روم